

— نقد و معرفی کتاب

نگاهی به تصحیح «منتخب اللطایف»

مهرداد چترائی عزیزآبادی^۱

رحم علی خان، متخلص به ایمان، از بزرگان شعر و ادب پارسی است که در قرن دوازدهم در شاه جهان آباد (دهلی کهنه) زیسته و آثار متعددی تألیف کرده است که یکی از آنها تذکره شعری است موسوم به منتخب اللطایف که در سال ۱۳۴۹ تنها نسخه موجود این تذکره، به همت دکتر جلالی نائینی و دکتر امیر حسن عابدی به صورت عکسی منتشر شد.^۲

در این تذکره، نام شعرای فراوانی از عصر سامانی تا زمان مؤلف به همراه ابیاتی برگزیده از آنها درج شده است. گاه در این تذکره از شاعرانی سخن گفته شده که در منابع دیگر نام و نشان آنها یافت نمی شود. در مقدمه، چاپ عکسی، تعداد شاعران این تذکره را ۲۲۳۲ تن دانسته اند (چاپ عکسی، ص ۲۸). ترتیب تنظیم این تذکره به صورت الفبایی نام یا تخلص شاعران است.

تنها نسخه موجود منتخب اللطایف در کتابخانه دانشگاه دهلی است و تاریخ کتابت آن پنجم ماه صفر ۱۲۲۶ ق و کاتب آن بدرالدین شاه پسر جلال الدین است. تعداد صفحات آن ۴۴۵ است.

از روی نسخه مزبور در سال ۱۳۸۶ تصحیحی به چاپ رسید که آقایان حسین علیزاده و مهدی علیزاده، همراه با مقدمه ای

تذکره منتخب اللطایف

رحم علیخان ایمان

با مقدمه

دکتر تارا چند

به اهتمام

سیدمحمد رضا جلالی نائینی

و دکتر سیدامیر حسن عابدی

تهران

۱۳۴۹

تذکره منتخب اللطایف (عکسی)، رحم علیخان ایمان، با مقدمه دکتر تارا چند، به اهتمام سیدمحمد رضا جلالی نائینی و دکتر سیدامیر حسن عابدی؛ تهران: تابان، ۱۳۴۹.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.

۲. رحم علی خان ایمان، تذکره منتخب اللطایف (عکسی)، رحم علیخان ایمان، با مقدمه دکتر تارا چند، به اهتمام سیدمحمد رضا جلالی نائینی و دکتر سیدامیر حسن عابدی؛ تهران: تابان، ۱۳۴۹.

کوتاه و فهرست اعلام آن را به سامان رسانده اند.

متأسفانه در این تصحیح اشتباهات و لغزش های فراوانی راه یافته است که در این نوشتار ضمن مقایسه متن مصحح با چاپ عکسی نسخه، به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

پیش از این در «نشریه جهان کتاب»، شماره ۲۴۶ و ۲۴۷ (آبان - آذر ۸۸) مقاله ای از خانم پریسا رفائی علی آبادی (ص ۲۶ - ۳۰) در نقد این تصحیح به چاپ رسیده است که به طور کامل به لغزش های اساسی مصححان نپرداخته است و گاه نیز در توضیحات منتقد نادرستی هایی راه یافته است، (ایرادهایی که منتقد محترم به درستی بر متن مصحح گرفته، در این نوشتار تکرار نشده است).

تصحیح های نادرست

ص ۵۱، ۳۱۱: «مثلث موالید از دست ارادتش درست نشسته و مربع اسطیقات از خامه مسیش صورت نیکو بسته».

با توجه به سجع عبارت و نیز آنچه در عکس نسخه آشکار است، عبارت «خامه مشیث» صحیح است.

ص ۵۳، ۷: «بحر زخار لالی نکات دین، مخزن برّ و لقا ...».

عبارت «مخزن برّ و لقا» نادرست است و صحیح آن «مخزن برّ و لقا» است.

ص ۵۵، ۱۳: عبارتی پس از این سطر در حاشیه نسخه افزوده شده که با علامت: «ص»، جای آن را مشخص کرده اند و جزء اصل متن است و آن این است: «و همچنین شیخ سعدی می فرماید: به نطق آدمی بهتر است از دواب». مصححان توجهی به آن نکرده اند.

ص ۶۱، ۴: «اگرچه اسامی اولیا را مقدم ...»، که در حاشیه نسخه بدین صورت اصلاح شده: «اگرچه اسامی گرامی اولیا را مقدم ...».

ص ۶۱، ۱۱: «و آن عقل فلسفی که بود ...». در حاشیه به جای «بود»، «داشت» آمده است.

ص ۶۲، ۴: «در عمر هفتادساله حافظ و حکیم ...» که در نسخه به وضوح چنین است: «در عمر هفت ساله حافظ و حکیم ...».

ص ۶۴، ۱۴: «لطف و کرم تو با من بی کس بس». در توضیحی که در زیر همین صفحه داده اند، درباره این مصراع

نوشته اند: «با توجه به وزن شعر تصحیح شد؛ در حالی که در تصویر نسخه چنین آمده: «لطف و کرمت یار من بی کس بس»، و این صورت از لحاظ وزن هیچ اشکالی ندارد که مصححان بی جهت آن را تغییر داده اند.

ص ۶۵، ۱۳: «و طبعات شفا تحریر نمود». صحیح آن «طبیعیات شفا» است.

ص ۶۷، ۹: «سه و شش می خواست». صحیح آن «سه شش» است.

ص ۶۸، ۱۳: «نسخه سوانح از تصنیفات قافیه اوست». معلوم است که تصنیفات قافیه بی معنی است و صحیح آن «تصنیفات فایقه» باید باشد.

ص ۷۰، ۱: «چون بی تو گذشت بگذرد بی دگران». اصل متن «با دگران» است که مصححان از لباب الالباب عوفی وجه «بی دگران» را برگزیده اند، در حالی که هم معنی بیت و هم تضاد و تطباق (بی تو / با دگران) «با دگران» را صحیح تر می نمایند.

ص ۷۵، ۱: «اسرار حقیقت نشود حل به سؤال / نی نیز به در باختن و حشمت و مال».

در متن نسخه «نیزه» به جای «نیز» آمده و از مفهوم بیت هم معلوم است که «نیزه» درست است.

ص ۷۹، ۲: از ابتدای این سطر کلمه «برخواند» از چشم مصححان پوشیده مانده که باید افزوده شود.

ص ۸۲، ۳: «و این ایسات در حالت نزع گفته». آن صاحب خلق نیکوست». باید بدین صورت باشد: «و این ایبات در حالت نزع گفته آن صاحب خلق نیکوست».

ص ۹۸، ۱۳: «از بطن مادر به ظهور آمده که نامش حمیده بانو بود».

بر اساس تصویر نسخه خطی، باید بدینگونه اصلاح شود: «از بطن مادر که نامش حمیده بانو بود، به ظهور آمده».

ص ۱۰۲، ۶: «یولقلی بیگ انیسی تخلص شاملو»، یولقلی غلط است و صحیح آن بولقی (=بوالقلی) است.

ص ۱۰۴، ۱۳، ۱۵، ۱۶: «آه دلم گر اثری داشتی ...». ردیف این شعر در هر سه بیت باید به صورت «داشتی ای» باشد، و گرنه وزن شعر خراب است.

ص ۱۰۵، ۷: «پیش از مردن خود دو روز در حالت صحبت گفته که ...».

پیشکش ۱۳۶ نهمین کتاب

در این جمله «صحبت» نادرست است و در تصویر نسخه، به وضوح «صیحت» (=صیحه) به معنی فریاد و زاری، آمده و همین درست است.

ص ۱۱۱، س ۱۰: «کم قدرنی ام، قیمتم افزون ز شمار است». در تصویر نسخه خطی بدین شکل است: «کم قدرتم و قیمتم ...» و همین صحیح است. مصححان با این تغییری که در متن داده اند (و در پاورقی آن را تصحیح قیاسی نامیده اند!) شعر را از قدر و قیمت انداخته اند.

ص ۱۱۵، اشعار اسیر شهرستانی: در حاشیه نسخه، این رباعی زیبای اسیر نیز جزء اشعار وی آمده است که مصححان عنایتی بدان نکرده اند:

در حقیقت قرب و بعد مردم دنیا غلط

آشنایی ها غلط ناآشنایی ها غلط

نسخه آشفته دیوان عمر ما مپرس

خط غلط معنی غلط انشا غلط املا غلط^۳

ص ۱۱۵، سطر آخر: «اگر ز خجلت عصیان گناه ما بخشند / گناه هر دو جهان را به ما توان بخشند».

این بیت در دیوان اسیر (چاپ میراث مکتوب، ۱۳۸۴) نیست، ولی ظاهراً در مصراع دوم کاتب عبارت «توان به ما بخشند» را به غلط «به ما توان بخشند» نوشته است.

ص ۱۲۹، س ۶: «بر دروازه چالی به کور نمکی ملازم خود به ضرب خنجر کشته شد».

ظاهراً باید «به دست کور نمکی ...» باشد.

ص ۱۳۷، س ۶: «صد بست و گشادی به چمن کرد بهاران / گلدسته چون دست حنابسته نه بست است».

صحیح مصراع دوم، چنین باید باشد: «گلدسته ای چون دست حنابسته بسته است».

ص ۱۳۸، س ۱۴-۱۵: دو بیت از یک شعر است که مصححان بی جهت بین آن دو، فاصله گذاشتند.

ص ۱۵۲، س ۸: «بگو بسحق وصف خوشه انگور منقاتی ...».

صحیح آن «انگور مثقالی» است که نوعی معروف از انگور است. صاحب آندراج وجه تسمیه آن را این می داند که دانه اش به مقدار یک مثقال است.

ص ۱۶۱، س ۳: «شیخ بهاءالدین بهایی تخلص، خلف شیخ حسین بن عبدالصمد جیعی است و جیعه قریه ای است».

صحیح آن جیعی و جیعه است ... (جُبع یا جُبعه از قریه های جبل عامل لبنان است و در متون جغرافیایی قدیم فراوان تکرار شده است. ر.ک به: ذخیة الدهر، ص ۳۵۸).

ص ۱۷۰، س ۱۳: «میسرزا باقر از سادات جزیره جایر است».

صحیح آن «جز بر خوار» (گزر بخار) است که نام محلی است در اطراف اصفهان (میرزا باقر جز بر خواری، در تذکره نصرآبادی هم شرح حالش آمده است و مصحح آن متن هم به اشتباه او را «از سادات جزء بر خوار» خوانده است!^۴

ص ۱۸۸، س ۵: «... به سبب غلیان و غشیان فرصت برخاستن از مجلس نیافته هم آنجا استفراغ کرد ...». صحیح آن غلیان و غشیان (حالت تهوع و دل بهم خوردگی) است.

ص ۲۰۴، س ۱۱: «این تمام حکایت در جامع الطایف نبشته ام». ظاهراً صحیح آن «تمام این حکایت» است.

ص ۲۰۷، س ۱۲-۱۳: «... و من شاعری گفته ام یاران طیب کرده باشند».

صحیح آن «طیبت» است.

ص ۲۱۰، س ۱۳: «هر که او را دید چشم و ابرویش / قال شکران نام فی المحراب».

صحیح آن چنین است: «قال شکران نام فی المحراب».

ص ۲۳۵، س ۹: «رنگ حناست بر کف پای مبارکت / یا خون عاشقان است که پامال کرده ای».

صحیح آن چنین است: «یا خون عاشق است که پامال کرده ای».

ص ۲۳۸، س «ندارد هیچ کس چون من جوانی / چو چشم ترک [در] ترکی زبانی».

در مصراع دوم نیازی به افزودن [در] نیست. کلمه من از اصل نسخه ساقط شده و اصل آن چنین صحیح است: «... چو چشم ترک من ترکی زبانی».

ص ۲۴۵، س ۹: «خانه [ار] حفظ کند قفل نگهبان خود است». این افزایش، معنی مصراع را غلط کرده. صحیح آن چنین است: «خانه را حفظ کند قفل و نگهبان خود است».

ص ۲۶۸، س ۱۳: «خان آرزو گوید که الحابک از اصلی

۳. این رباعی در دیوان اسیر شهرستانی هم آمده است (ص ۴۸۵).

۴. نصرآبادی، ج ۱، ص ۹۸.

رکعتین سنبطر الوحی (؟) او مرد جولاهه قدر شرفا چه داند». مصححان عبارت عربی این جمله را با علامت (؟) آورده اند و ظاهراً متوجه آن نشده اند. صحیح عبارت چنین است: «الحائک اذا صلی رکعتین سیتظر الوحی»، و این جمله با توجه به جولاهه بودن صاحب شرح حال (درویش دهکی قزوینی) بر زبان آرزو رفته است.^۵

ص ۲۷۲، س ۱۴: «دولت خان قاقبال دولت سرقندی که ظاهراً از قبیله اترک بود». و صحیح آن «قاقشال» است.^۶
ص ۲۷۸، س ۲: «دوست علی، دوست تخلص، ابن قاضی عبدالخالق. متوطن قصبه حلبسیر بود». جایی به اسم حلبسیر در مراجع وجود ندارد. این قصبه ظاهراً جلیسه، از توابع لاهیجان است. در عکس نسخه هم به وضوح جلیسه خوانده می شود.

ص ۳۰۲، س ۸-۹: «ربی، سلطان علی ربی تخلص». مصححان این تخلص را غلط خوانده اند. صحیح «رهی» است: رهی شاملو.^۷
ص ۳۹۱، س ۱۰: «بر رخ فکند چاشت که آن مونقاب را». صحیح آن چنین است: «بر رخ فکند چاشت چو آن مه نقاب را...».

ص ۳۹۷، س ۱۱: «ای آن که ز گوهر زبون آمده ای / از روز ازل لجوج و دون آمده ای / از کاوش [همچو] من دلت خون شود / کز پشت پر جگر به خون آمده ای».

راجع به بیت اول در پاورقی نوشته اند که «لجوج در اصل معوج بوده» که به اصطلاح تصحیح کرده اند، ولی صحیح آن معوج است (به معنی کز و ناراست) و درباره بیت دوم توضیح داده اند که همچو را از روز روشن افزوده اند؛ ولی به طور کلی صحیح مصراع دوم چنین است: «از کاوش من دلت از آن خون نشود / کز پشت پدر جگر به خون آمده ای».

ص ۳۹۸، س ۵: «صیفی یزدجردی». تخلص این شخص صیقلی است که در عکس نسخه هم با وجود مخدوش شدن آشکار است. نسبت وی هم بروجردی است، نه یزدجری. در عرفات هم (۲۱۶۵/۴) شرح احوالش آمده (با همین تخلص و نسبت). از اشعار لری که در عرفات آمده، بروجردی بودنش ثابت می شود و همین رباعی هجو صحیفی هم که در متن

منتخب اللطایف به نام اوست، در عرفات هم ذکر شده است. ص ۴۰۵، س ۱۴: «مولوی به نحر آشنا». صحیح آن «به بحر آشنا» است.

ص ۴۰۵، س ۱۶: «کل اناء به ترشح بما فیه» که صحیح آن «کل اناء یترشح بما فیه» است.

ص ۴۰۵، س ۱۷: «پایان دو ثاقله ...». صحیح آن «پایان دو تا قله» است (از تصویر نسخه و معنی عبارت هم فهمیده می شود).

ص ۴۱۰، س ۱۱: بادزن گاهی تواند دست او را بوسه داد / کاش من هم اعتبار بی زری می داشتم.

کلمه (بی زری) در مصراع دوم، غلط و صحیح آن «پیزی» است که پیزر به معنی نی مخصوص حصیربافی است که گاهی از آن بادبزن هم درست می کنند و در بیت هم اشاره به همین است.

ص ۴۱۴، س ۷: «این دو بیت در صنعت تدارک که او را صفت فتح و ملیح هم گویند ...». صحیح آن «قبیح و ملیح (زشت و زیبا) است».

تغییرات نابجا و توضیحات زاید در پاورقی

مصححان بعضی از کلمات متن را تغییر داده اند و به زعم خویش در این تغییرات، متن را تصحیح کرده اند که اغلب این تغییرات نابجا بوده است. در توضیحات پاورقی هم یادآوری کرده اند که اصل متن به گونه دیگری بوده، آنها در آن دستکاری نموده اند.

از مقایسه تصویر نسخه خطی با دستکاری های نابجای محمصان، روشن می شود که گاه به علت غلطخوانی نسخه، به تغییر دادن وجوه صحیح آن پرداخته اند.

به نمونه هایی از این غلط ها اشاره می شود (تعداد آنها زیاد است و در سراسر کتاب دیده می شود):

ص ۵۳، پاورقی ۴: «متن منیران، از مقدمه چاپ تصویری تصحیح شد».

در تصویر نسخه خطی (ص ۶، س ۱) به وضوح «میزان»

۵. ر. ک: به: سراج الدین علی خان آرزو، مجمع النقایس، ص ۴۲۱.

۶. ر. ک: به: روز روشن؛ ص ۲۶۸ و دبستان المذاهب؛ ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. ر. ک: به: فرهنگ سخنوران؛ ذیل «رهی»، برای شرح حال او، ر. ک: به: تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۳۸ و نیز: ریاض الشعراء واله؛ ج ۲، ص ۸۷۰.

مطلوب که در خدمت سراپا فادت منیران صیغه کامبخشی و کامرانی زبده
اصول کرم گستری و فیض رسانی رافع اعلام دین با صلب خیم بقیع جزئیات
و کلیات معلوماتش مقصودات و تصدیقات معاینه مهنوماتش مدفعا
و بلاغت مستند زان و در تفسیر و بیان مضرب کجایه مسأله آموز عقل اول صنوبر
اندوز قوا این بر اصل کنه دان طبع والهی دست بران کلام گاهی حدیث
بی محس در اکتاف عالم مشهور و خطوط رموز بر لوح صراط ضمیرش سطر اعداد
وصف کالاتش لانه و لانه شخصی درجه کمال آن فیقه باب از پایه ادراک
بالا استاد و الا و اسکنه مولوی غلام نبی سلمه اند فین می گرفت صورت
تخریفات چون اجزای کتاب کور با وجود مزید احتیاط اختصار بعد بود
رسید اینکس از دید اطراف لک و ار که بقیضای تاثیرات مضمرات
دوره اخیر موثر تصور در سطح امور و منظر تراران فزونیست و کرد
دون بستن مستعدان فی هزار از کشتگی حوادث همچو گاه کرد با
در اضطراب نفرقه انداخته کوفراغت مطالعه ضخیم و مسولات سید
اورا اگر باب فضل و کمال را گاهی فرصت وقت که حکم کبریت احمر لعل
سپید در دیم میرسد و شغل کتاب توجیهی کارند از دفاتر طول بلبل

مغفول سبانی بر کز به درگاه بزانی چشم چراغ دوران اشرف عالم
نور دیده حضرت قطب جناب اعظم ارشاد و نصاب هدایت انساب خیر
سید عبدالوهاب طاب الله ثراه و معین الحجة مشاهیر و مشاکر جامع
و مغفول طادی شروع و اصول و افق اسرار ربانی گفته رسن موزعنا
فهرست مجرب لطف و سخنان عنوان من کرم و سان سرخیل بند خالان
نیز برای مفقودای رخصت دلان عقده کشای محیط موج علم بقیع جزئیات
لالی نکات دین مخزن بر و نافع وجود و سخا عا دال دین و الملت رکن
الاسلام و التسلط نامی علوم خفی و علی متوطن علی مولوی شیخ قطب
ابن شیخ محمد رضا سلمه الله تعالی است سکویه که اگر چه اینکس با وجود عدم
استعداد و انباشت که در پی تالیف و تفسیر نمود لکن از بسکه خلق خیر
با شفا رساننده پیش از پیش بود و ازین جهت فزید و مزار شعر بقیه
اسامی مخدوران از تذکره های معتبره فراهم آورده پیش خود سید احوال
که آن جمله را مع دیگر اشعار با فزونی احوال شعر الفطرم آورده و سبیل دعای خیر
که افضی استیالی است سازد و باران مجموعه موسوم به جامع اللطائف
سینه بیکار و یکصد و هشتاد و چهار در تفسیر ربانی وقت مطالعه نغمه ذکر
۱۱۸۳

ص ۵۳، پاورقی ۵: «متن جسم ...». این کلمه نیز در
تصویر نسخه «خیم» است.
ص ۵۳، پاورقی ۷: «متن کی ...». در تصویر نسخه
به وضوح «گاهی» (= گاهی) است.
ص ۵۴، پاورقی ۵: «متن اعتراف عزم عدم ...». در تصویر
نسخه آشکارا «اعتراف عدم ادراک ...» آمده است.
ص ۶۶، پاورقی ۶: «متن: سپاه پشت ...» که در تصویر
نسخه «سپاه هیبت» آمده است و اگر آن را درست خوانده بودند،
نیازی به این تغییر و توضیح زاید نبود.
ص ۷۰، پاورقی ۴: «متن: از آن ...» اصل شعر چنین بوده
است:

مصححان بی جهت «از آن» را در متن تبدیل به «بدانک»
کرده اند که نیازی به این تغییر نبوده است.
به طور کلی از مطالعه منتخب اللطائف چنین برمی آید که
مؤلف آن بسیار نکته دان و خوش ذوق بوده است؛ به ویژه از
اشعاری که نمونه وار از شاعران مندرج در این کتاب انتخاب
کرده، می توان به ظرافت و لطافت شم شعری او پی برد.
متأسفانه گاهی تغییراتی که مصححان اعمال کرده اند، با
نکته سنجی های مؤلف در گزینش اشعار در تضاد است.
به یک نمونه دیگر از این تغییراتی که لطافت و زیبایی شعر را
از بین برده است، اشاره می کنیم:

نگاهی به تصحیح منتخب اللطائف

۱. انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب؛ نخبة الدهر فی عجایب البر والبحر؛ ترجمه حمید طبیبیان؛ تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، [بی تا].
۲. اوحدی دقایقی بلیانی، تقی‌الدین محمد؛ تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین؛ مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی؛ ۷ ج، تهران: اساطیر، ۱۳۸۸.
۳. خان آرزو، سراج‌الدین علی؛ مجمع النفایس؛ تصحیح زیب‌النساء علی‌خان؛ اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳.
۴. خیام‌پور، عبدالرسول؛ فرهنگ سخنوران؛ ۲ ج، تهران: طلایه، ۱۳۶۸.
۵. داغستانی، علیقلی‌واله؛ تذکره ریاض‌العلماء؛ مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی؛ ۵ ج، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
۶. دیوان غزلیات اسبیر شهرستانی؛ تصحیح غلامحسین شریفی ولدانی؛ تهران: میراث‌مکتوب، ۱۳۸۴.
۷. رحم‌علی‌خان ایمان؛ منتخب اللطایف؛ تصحیح و توضیح حسین‌علیزاده و مهدی‌علیزاده؛ تهران: طهوری، ۱۳۸۶.
۸. صبا، مولوی محمد مظفر حسین؛ تذکره روز روشن؛ تصحیح و تحشیه محمد رکن‌زاده آدمیت؛ تهران: کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.
۹. کیخسرو اسفندیار بن آذر کیوان؛ دبستان المذاهب؛ تصحیح رحیم رضازاده ملک؛ ۲ ج، تهران: طهوری، ۱۳۶۲.
۱۰. نصرآبادی، محمد طاهر؛ تذکره نصرآبادی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی؛ ۲ ج، تهران: اساطیر، ۱۳۷۸.

ص ۹۳، س ۶: جداز تیر تو چون شست بی قرار توام / به هر زمین که نشینم در انتظار توام
مصححان بی‌جهت: «نشستم» را به «نشینم» بدل کرده‌اند. طبیعی است که نشستم با کلمه شست، تناسب لفظی دارد که حتماً شاعر بدان توجه داشته است، ولی مصححان عنایتی نکرده‌اند!

بی‌دقتی و لغزش‌های مصححان در رسم الخط کتاب نیز مشهود است: الحمد لله والمنّت، ص ۵۴ (به جای المنّه) و یا: بدیع‌الملّت والدین، ص ۱۴۳ (به جای المله) و یا نابسامانی در فهرست اعلام کتاب که مثلاً محمد قهرمان را در حرف «م» آورده‌اند!

همچنین مطالبی که مالک نسخه خطی این کتاب (محمد سیف‌الحق) در حواشی کتاب در هنگام مطالعه نوشته است، جزو اصل متن پنداشته شده، وارد کتاب شده است و از آنجا که مصححان متوجه این موضوع نشده‌اند، اشارتی بدان نکرده‌اند (با اینکه در پایان این حاشیه نویسی‌های مالک نسخه، نام وی نیز آمده است)؛ برای نمونه صفحه ۶۲ از متن مصحح که برابر با صفحه ۲۰ نسخه خطی است، شرح حال رودکی و نمونه شعرش در حاشیه به قلم همین مالک (محمد سیف‌الحق) است. در صفحه ۶۰۲ متن مصحح شرح حال مؤمن دهلوی و نیز صفحه ۶۲۸ شرح حال زیب‌النساء بیگم (مخفی) نوشته‌های مالک نسخه است که مصححان در پاورقی به نام وی اشاره کرده‌اند؛ اما ظاهراً متوجه اینکه وی مالک نسخه بوده، نشده‌اند. در هر حال وارد کردن حواشی و یادداشت‌های صاحبان نسخه‌ها در متن تصحیح شده چندان کار رایجی نیست و نیاز است حتماً درباره آنها توضیح داده شود.

نمونه‌های این تصرفات نابجا و لغزش‌های نادلپذیر در سراسر متن تصحیح شده به چشم می‌خورد و از آنجا که از این متن فقط همان یک نسخه مذکور برجای مانده است، مصححان با مراجعه به تذکره‌ها و منابع متعدد دیگر در صدد تصحیح متن برآمده‌اند و هر چند کوشش چندساله آنها قابل چشم‌پوشی نیست، لیکن اگر اندکی بیشتر با خواندن نسخه‌های خطی و شیوه تصحیح علمی آنها آشنایی می‌داشتند، قطعاً حاصل کارشان از آنچه منتشر کرده‌اند، منقح‌تر و سودمندتر می‌بود.